

## شناسایی الگوی جاری تألیف کتب درسی و الکترونیک در نظام آموزش و پرورش کشور ایران

مژده سادات طباطبایی<sup>۱</sup>، حسین مؤمنی مهموئی<sup>۲</sup>، احمد اکبری<sup>۳</sup>، تورج فلاح مهنه<sup>۴</sup>

۱. دانشجوی دکتری مطالعات برنامه درسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران
۲. نویسنده مسئول: دانشیار مطالعات برنامه درسی، گروه علوم تربیتی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران رایانامه: [momenimahmouci@yahoo.com](mailto:momenimahmouci@yahoo.com)
۳. استادیار گروه علوم تربیتی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران
۴. استادیار گروه علوم تربیتی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۴

### چکیده:

هدف پژوهش حاضر بررسی وضع موجود تألیف کتب درسی و الکترونیک در نظام آموزش و پرورش است. این پژوهش با رویکرد کیفی و با روش داده‌بنیاد انجام گرفت. جامعه آماری شامل کارگزاران اصلی دخیل در تألیف کتب درسی شامل؛ مؤلفان دفتر تألیف کتب آموزش و پرورش، معلمان مدارس، مدیران و اولیا دانش‌آموزان بودند؛ که از طریق نمونه‌گیری هدفمند از نوع ملاک محور انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ده نفر از معلمان، شش نفر از مؤلفان، چهار نفر از مدیران مدارس، نه نفر از اولیا دانش‌آموزان جمع‌آوری شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری باز، محوری و گزینشی استفاده شد. برای تأمین روایی و پایایی از معیارهای لینکن و کوبا استفاده شد. نتایج پژوهش، نشان‌دهنده بیست و یک مفهوم محوری و هفت مقوله منتخب است که در قالب الگوی پارادیمی شامل چندپارگی و بی‌توجهی به رویکرد تخصصی در نظام تألیف به‌عنوان مقوله محوری و شرایط علی (تمرکزگرایی سیستمی، ضعف در دانش تألیف، نبودن تعاملات و شبکه ارتباطی)، عوامل زمینه‌ای (عوامل محیطی- ساختاری)، شرایط مداخله‌ای تسهیل‌گر (محتوا محوری نظام آموزشی، شیوایی کتب درسی، خرد جمعی در تألیف)، شرایط مداخله‌گر محدودکننده (نبودن تناسب در محتوای کتب درسی با نیازهای دانش‌آموزان، تسلط نداشتن مؤلفان بر دانش تألیف، انحصارگرایی در تألیف)، راهبردها (انتخاب دامنه وسیع محتوایی، سازمان‌دهی تداومی و تراکمی محتوا، اعتباربخشی و اعتبارسنجی چندجانبه تألیفات، توجه به رویکردهای نوین و به‌روزرسانی محتوا، شبکه‌سازی و تعامل‌گرایی در فرایند تألیف) و پیامد (ضعف در محتوای آموزشی کتب درسی) سازمان یافت.

**کلیدواژه‌ها:** تألیف، کتب درسی، کتب الکترونیک، آموزش و پرورش و مؤلفان.

استناد به این مقاله:

طباطبایی، مژده سادات؛ مؤمنی مهموئی، حسین؛ اکبری، احمد؛ فلاح مهنه، تورج. (۱۴۰۴). شناسایی الگوی جاری تألیف کتب درسی و الکترونیک در نظام آموزش و پرورش کشور ایران. *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۲۱(۱): ۱۳۹-۱۲۵. doi: 10.22051/jontoe.2023.42440.3709

## مقدمه

زندگی فردی و اجتماعی در عصر حاضر، متأثر از عوامل گوناگونی است که آشکار و نهان جوامع را دگرگون ساخته است. در چنین جهان متحول و متلاطمی، تنها افراد، سازمان‌ها و نهادهایی می‌توانند به حیات سازنده ادامه دهند که این تحولات را درک کرده و برای این تحولات، پاسخ مناسب داشته باشند و حتی، پیشران این تحولات بوده و جوامع مختلف را متوجه پویایی و توانایی خود در زمینه‌های مختلف سازند (کاظم پور و غفاری، ۲۰۱۱، ص. ۱۶۹). در این میان، مهم‌ترین نهاد تحولی که با تک‌تک افراد جامعه و نیز با دیگر نهادها پیوندی ناگسستنی دارد، نهاد آموزش و پرورش است (شهلائی، صفرنواده، آرمنند و موسی پور، ۲۰۲۱، ص. ۹۱). اهمیت این موضوع در آموزش و پرورش از آنجا روشن می‌شود که این نهاد، باید پاسخگوی مخاطبان تربیتی خود، یعنی قشر کثیر جامعه دانش‌آموزی باشد (بیطرفان، سجودی و دهقانی، ۲۰۲۱، ص. ۹۶). نظام آموزشی، بخش عمده تأثیرگذاری خود را مرهون و مدیون، برنامه درسی است و به‌واسطه برنامه‌های درسی، تأثیرگذاری خود را اعمال می‌کند و در واقع برنامه درسی، قلب نظام آموزشی است (نصراللهی نیا و علم الهدی، ۲۰۲۰، ص. ۱۰۲).

برنامه درسی، عناصر متفاوتی دارد و صاحب‌نظران مختلف درباره عناصر آن، آرا گوناگونی بیان کرده‌اند، اما جامع‌ترین برداشت از عناصر برنامه درسی را می‌توان در الگوی کلاین مشاهده کرد. کلاین عناصر برنامه درسی را مشتمل بر نه عنصر اهدا، محتوا، فعالیت‌های یادگیری، روش تدریس، مواد و منابع یادگیری، ارزشیابی، زمان، مکان و گروه‌بندی ارائه کرده است (فتحی و اجارگاه، ۲۰۱۵، ص. ۱۲۷). در این میان، محتوا از اهمیت ویژه و بسزایی برخوردار است و برخی صاحب‌نظران معتقدند که قلب برنامه درسی، محتواست (هاپکینز و همکاران، ۲۰۱۶، ص. ۲۹). محتوا، محور اصلی فعالیت‌های یاددهی - یادگیری را تشکیل می‌دهد؛ بنابراین همان‌گونه که کتاب درسی دارای محتوای مناسب، می‌تواند جریان تدریس و یادگیری را تسهیل کند، کتاب دارای محتوای مبهم نیز، مانع فعالیت‌های آزاد و خلاقانه معلم در جریان آموزش می‌شود (قاسم پور، نقی زاده انهر و مظاهری، ۲۰۱۲، ص. ۷). محتوا در ظرف‌های مختلفی قرار می‌گیرد و به فراگیران عرضه می‌شود، اما مهم‌ترین و متداول‌ترین بستر ارائه محتوا، کتاب درسی است (سیدقبطی، ۲۰۱۱، ص. ۹؛ بوگواک، ۲۰۱۶، ص. ۱۱، سیرکوا، ۲۰۱۱، ص. ۵). کتاب درسی به‌عنوان سندی تلقی می‌شود مبنی بر چهارچوب انتظارات حوزه یادگیری و ابعاد مورد نیاز فرایند یادگیری که در مراکز آموزشی رسمی و عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرد (لی و همکاران، ۲۰۲۱، ص. ۶۳).

صنعت چاپ و تألیف کتاب اعم از درسی و غیردرسی، پیشینه‌ای دیرینه دارد. پس از فراگیرشدن صنعت چاپ، بازیگران اصلی صنعت کتاب، عبارت بودند از پدیدآورندگانی که غالباً بانگیزه درونی تألیف انجام می‌دادند، ناشرانی که به اثر گزینی یا اثرآفرینی و تولید و توزیع کتاب مشغول بودند و دولت‌ها که تا حدودی خط و مشی تألیف به‌خصوص در عرصه کتب درسی مشخص می‌ساختند (کونگ، ۲۰۱۰، ص. ۸۴؛ زارع و همکاران، ۱۳۷)؛ اما با ورود فناوری به این عرصه معادلات تغییر کرد و بسیاری از ارکان این صنعت دچار تغییراتی شدند. از جمله اینکه کتاب‌های الکترونیک توانستند پا به عرصه وجود بگذارند (لی و همکاران، ۲۰۲۱، ص. ۶۱). کتاب الکترونیک، کتابی است که در قالب دیجیتال موجود است و شامل متن، تصویر و یا هر دو است و روی برخی یا همه دستگاه‌های دیجیتال قابل خواندن باشد (لی و همکاران، ۲۰۲۱، ص. ۶۳). اگرچه گاهی اوقات کتاب الکترونیک، نسخه الکترونیک کتاب چاپی است، اما کتاب الکترونیک می‌تواند معادل چاپی نداشته باشد (فرهنگ آکسفورد، ۲۰۱۸، ص. ۲۰۱). واسیلو و رولی (۲۰۰۸، ص. ۳۵۶) با جمع‌آوری و بررسی ۳۷ تعریف پیرامون حوزه کتاب الکترونیک، در نهایت تعریفی دوبخشی از آن ارائه کردند که کتاب الکترونیک را ارائه دیجیتالی مفهوم کتاب به‌صورت متنی یا محتوای دیگر الکترونیکی می‌داند که دارای ویژگی‌هایی همچون جستجو، ارجاع تقابلی، پیوند فرا متنی، یادداشت‌گذاری، نشانه‌گذاری، چندرسانه‌ای بودن و تعاملی بودن است. کتب درسی چه به‌صورت چاپی و چه الکترونیک برای اثرگذاری بیشتر و حرکت در راستای اهداف تعیین‌شده باید دارای سازوکارهای تألیفی خاص باشند و اهمیت این مقوله به‌خصوص در نظام‌های آموزشی متمرکز

بیشتر احساس می‌شود (نوریان، ۲۰۱۴، ص ۱۶۱). در پژوهش حاضر منظور از کتاب‌های الکترونیک نسخه الکترونیک کتاب‌های درسی است که انتشار می‌یابد.

هر کتابی حتی اگر برای برنامه درسی خاص تدوین شده باشد، نمی‌تواند عنوان "درسی" را یدک بکشد، مگر اینکه دارای ویژگی‌هایی همچون ارزش (بار آموزشی)، شیوه ارائه محتوا (چاپی یا نرم‌افزاری، مواد شنیداری و دیداری)، ابعاد تصویرگری (تصاویر و نمودارها و کارهای هنری)، جنبه‌های دسترسی (فهرست محتوا، سرفصل‌های اصلی و فرعی، واژه‌نامه و...)، جنبه‌های نمایشی (جلد، سرآغاز فصول و دیگر موارد جذاب‌کننده کتاب)، تناسب اثر با اهداف، نظم منطقی و انسجام مطالب، روشن و قابل فهم بودن باشد (حسینی، ۲۰۲۰، ص. ۲۸؛ یارمحمدیان، ۲۰۱۴، ص. ۵۹؛ کرمی، حجازی و طباطبایی، ۲۰۱۵، ص. ۵۱). در همین زمینه، اصابت طبری و همکاران (۲۰۲۰، ص. ۱۲۱) مهم‌ترین مؤلفه‌های کتب درسی را دقت علمی و نگارشی، ماهیت آموزشی و مخاطب محوری می‌دانند.

بر اساس دیدگاه مؤلفان و متصدیان تألیف کتاب درسی در دوره ابتدایی، در نگارش کتاب درسی باید به هشت مرحله، شامل گردآوری اطلاعات، طراحی تدوین کلی کتاب درسی، طراحی تدوین واحد یادگیری، تدوین واحد یادگیری، اعتبارسنجی عملی، تدوین کتاب درسی، اعتبارسنجی از منظر معلمان و متخصصان، اصلاح و تدوین نهایی توجه کرد (مرزوقی و همکاران، ۲۰۲۰، ص. ۱۶۴)؛ که در مطالعات مختلف مؤلفه‌هایی همچون، توجه به کتب درسی دیگر کشورها، پژوهش‌های داخلی و خارجی مربوط به کتب درسی، توجه به نیازها و علایق دانش‌آموزان (صادقیان، ۲۰۱۵؛ لی، ۲۰۲۱؛ ناظم، ۲۰۱۵)، توجه به دلالت‌های مورد نیاز ویژگی‌های شروع، متن اصلی و تحکیم یادگیری واحدهای یادگیری و همین‌طور توجه به ارزش‌ها، مهارت‌ها و ایده‌های کلیدی مورد تأکید دوره تحصیلی و نقش مورد انتظار از معلم و دانش‌آموز در دوره تحصیلی (مرزوقی، ص. ۱۷۱) در تألیف کتب درسی مورد استفاده و توجه قرار می‌گیرند. در زمینه کتب درسی و تحلیل محتوا مربوط به این حوزه، پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است و چالش‌های زیادی برای آن بیان شده است، برای نمونه، مرزوقی و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهش خود به بررسی ویژگی‌های کتب درسی دوره ابتدایی پرداختن نتایج نشان داد کتب درسی دارای چالش‌هایی در تألیف چون بی‌توجهی به نیازها و علایق دانش‌آموزان؛ معلمان و اولیای دانش‌آموزان به عنوان مخاطبان اصلی برنامه درسی و محتوای آموزشی نسبت داده می‌شود و باعث شده است که این کتب و محتوا نتوانند رضایت متخصصان امر را جلب کنند و درصد پایینی از اهداف مدنظر برای آنان تحقق یابد. همچنین ژانگ و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهش خود وضعیت موجود تألیف کتاب‌های درسی در مقطع ابتدایی را شامل ضعف‌هایی چون بی‌توجهی به برابری جنسیتی، وجود کلیشه‌های فرهنگی و نبود استدلال منطقی بیان داشتند.

افتخاری و همکاران (۱۴۰۱) با بررسی کتب دوره ابتدایی در زمینه توجه به هوش اخلاقی به این نتیجه رسیدند که محتوای کتاب‌های دوره ابتدایی از نظر پرداختن به مؤلفه‌های هوش اخلاقی میشل بوربا به صورت نیمه‌فعال بوده و در سطح نسبتاً مطلوبی قرار دارند. افتخاری و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی محتوای کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی از مؤلفه‌های بهزیستی ریف پرداختن نتایج نشان داد به مؤلفه‌های بهزیستی در کتب تألیف شده به صورت متوازن توجه نشده است.

کتاب درسی که به‌خوبی طراحی و تدوین شده است، می‌تواند گستره وسیعی از اهداف مربوط به برنامه آموزش را پوشش دهد و در کمک به استانداردسازی آموزش، سنجش و یادگیری دانش‌آموزان، ارتقا به سطوح بالاتر و ارتقای کیفیت آموزش مؤثر ظاهر شود (لی و کتلینگ، ۲۰۱۷، ص. ۳۴۸). به همین دلیل فرایند تألیف کتاب درسی از اهمیت فراوانی برخوردار است (عطار، ناطقی و عرفانی، ۲۰۲۰، ص. ۱۲۸). با توجه به بررسی پیشینه پژوهشی موجود تاکنون پژوهشی در داخل کشور به بررسی وضعیت موجود تألیف کتاب‌های درسی مقطع ابتدایی پرداخته است؛ از این رو در این پژوهش بر آن شدیم تا به شناسایی الگوی جاری تألیف کتاب‌های درسی بپردازیم تا زمینه شناسایی وضعیت موجود تألیف کتب چاپی و الکترونیک آموزش و پرورش مورد شناسایی قرار بگیرد. شناخت وضعیت موجود در تألیف کتب درسی زمینه شناخت نقاط کور در تألیف کتاب‌های درسی را فراهم می‌آورد؛ این مهم منجر به شناخت چالش‌ها و نقاط قوت موجود

شده و منجر به بهبود فرایند تألیف کتاب‌های درسی می‌شود. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که وضعیت جاری تألیف کتاب‌های درسی در آموزش و پرورش از چه الگوی نظری پیروی می‌کند؟

## روش‌شناسی پژوهش

از آنجایی که هدف پژوهش کشف اقدامات جاری در تألیف کتب درسی و الکترونیک آموزش و پرورش بود، از این رو پژوهش حاضر از نظر رویکرد جزو تحقیقات کیفی و ازلحاظ روش، مبتنی بر مطالعات داده بنیاد است. در این پژوهش از رویکرد سیستماتیک اشتروس و کوربین برای نظریه داده بنیاد استفاده شده است. در رویکرد سیستماتیک محقق باید روش و فن مشخصی برای تحلیل در پیش بگیرد و کدگذاری مرحله‌مندی (باز، محوری و انتخابی) را به اجرا درآورد و کار نهایی خود را در الگوی پارادایمی یکسانی ارائه کند (فراستخواه، ۲۰۱۹، ص. ۶۸). جامعه مورد مطالعه این پژوهش تمامی کارگزاران اصلی دخیل در تألیف کتب درسی شامل؛ مؤلفان دفتر تألیف کتب آموزش و پرورش، معلمان مدارس، مدیران و اولیا دانش‌آموزان بودند؛ که از طریق نمونه‌گیری هدفمند، از نوع ملاک‌محور، نمونه مورد نظر انتخاب و نمونه‌گیری تا رسیدن به حد اشباع نظری داده‌ها ادامه یافت. از این رو مشارکت‌کنندگان در پژوهش شامل ۶ نفر از مؤلفان (با توجه به هدف پژوهش حداقل سابقه همکاری ۵ ساله با دفتر تألیف آموزش و پرورش)، ۱۰ نفر از معلمان مدارس، ۴ نفر از مدیران مدارس و ۹ نفر از اولیا دانش‌آموزان بودند. در راستای محرمانه ماندن هر کدام از شرکت‌کنندگان در مراحل پژوهش و رعایت اخلاق پژوهشی به هر کدام از آنها یک کد اختصاص داده شد. ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته است. فرایند تحلیل داده‌های حاصل از متن مصاحبه‌ها نیز با توجه به اهمیت آن در رویکرد نظریه داده بنیاد، همزمان با جمع‌آوری داده‌ها طی سه مرحله: الف) کدگذاری باز؛ ب) کدگذاری محوری و ج) کدگذاری انتخابی انجام شد. برای تأمین روایی و پایایی از روش گوبا و لینکلن<sup>۱</sup> ۱۹۸۰ استفاده شد. آنها چهار معیار «قابلیت اعتبار<sup>۲</sup>، قابلیت انتقال<sup>۳</sup>، قابلیت اتکا<sup>۴</sup> و قابلیت تأیید<sup>۵</sup>» را به منظور ارزیابی دقت علمی پژوهش بر شمردند (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۶). در زمینه قابلیت اعتبار، از روش کنترل اعضای شرکت‌کننده استفاده شد و یافته‌ها در اختیار مشارکت‌کنندگان در پژوهش قرار گرفت تا نظر خود را در مورد استنباط‌ها بیان کنند. در زمینه قابلیت انتقال، یافته‌ها در اختیار متخصصان حوزه تألیف کتب قرار داده شد. در زمینه قابلیت اتکا (قابلیت اطمینان)، از روش توافق بین کدگذاران استفاده شد و دو نفر به صورت جداگانه یافته‌ها را مورد کدگذاری قرار دادند و درصد توافق بین کدگذاری‌ها بالای ۸۰ درصد شد و در زمینه قابلیت تأیید مرور و بازخورد هم‌تایان به کار برده شد.

## یافته‌های پژوهش

محققان برای دستیابی به نظریه برآمده از خصوصیات واقعی الگوی جاری تألیف کتب درسی در نظام آموزش و پرورش با اطلاع‌رسان-های کلیدی که تماس نظری و عملی ممتدی با موضوع پژوهش (تألیف کتب درسی و آموزشی در نظام آموزش و پرورش) داشتند، گفت‌وگو کردند و کوشیدند تا در ساختار درونی ارزش‌ها، نگرش‌ها و تجارب آن‌ها تعمق کنند. در اثنای مصاحبه‌ها مفاهیم ظهور می‌یافتند و از مقایسه مفاهیم مقوله‌ها عیان می‌شدند و ذهن پژوهشگران را به قضایا و گزاره‌ای مختلفی درباره الگوی تألیف کتب درسی و آموزشی در نظام آموزش و پرورش سوق می‌دادند. مصاحبه‌های ضبط‌شده پس از پیاده‌سازی، به صورت سطر به سطر بررسی، مفهوم‌پردازی، مقوله‌بندی و سپس، بر اساس مشابها، ارتباط مفهومی و ویژگی‌های مشترک کدهای باز، محوری و منتخب (طبقه‌ای از مفاهیم) مشخص شدند. برای این کار روش‌های تحلیل اشتروس و کوربین (۲۰۰۸) مورد استفاده قرار گرفت (اشتروس و کوربین،

1. Guba & Lincoln
2. Credibility
3. Transferability
4. Dependability
5. Conformability

۲۰۰۸، ص. ۱۶۱). این الگو شامل ۶ محور اصلی {شرایط علی، پدیده محوری، عوامل زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر (تسهیل‌گر محدودکننده)، راهبردها و پیامدها} است که در ادامه گزارش شده است.

### ۱. شرایط محوری

مقوله محوری مضمون اصلی پژوهش است که اگرچه از درون پژوهش بیرون می‌آید اما یک مفهوم انتزاعی است (اشتراوس و کوربین، ۲۰۰۸). برای یافتن پدیده محوری محقق با مقایسه و طبقه‌بندی مجدد به تغییر، تکمیل، ترکیب و توسعه مقوله‌ها به صورت مستمر پرداخت (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۶ و کوربین و اشتراوس، ۲۰۰۸). در پژوهش حاضر مرکز ثقل الگوی جاری تألیف کتب درسی و آموزشی در نظام آموزش و پرورش "چندپارگی و بی‌توجهی به رویکرد تخصصی در نظام تألیف" استخراج گردید. نتایج در جدول شماره ۱ نشان داده شده است.

### جدول شماره ۱. شرایط محوری تألیف کتب درسی و آموزشی در نظام آموزش و پرورش

کد منتخب	کد محوری	نمونه بیانات مشارکت‌کنندگان (کدباز)
چندپارگی و بی‌توجهی به رویکرد تخصصی در نظام تألیف	ضعف در راهنمای تألیف کتب درسی	بی‌توجهی به واقعیت‌های جامعه در تدوین اهداف و محتوا برنامه درسی راهنمای تألیف بی‌توجهی به پژوهش‌ها و طرح‌های پژوهشی مرتبط با تحلیل کتب درسی توجه بیش‌ازحد به بُعد شناختی برنامه‌های درسی و غفلت از ابعاد بینشی و مهارتی در راهنمای تألیف کتب درسی
	دوره‌های مختلف	بی‌توجهی به وحدت محتوا و تجارب یادگیری فراگیران در تدوین راهنمای تألیف غفلت از تلفیق و رویکردهای مبتنی بر تلفیق در برنامه‌های درسی دوره‌های مختلف یکسان‌انگاری پایه‌های مختلف و بی‌توجهی به خصوصیات رشدی و تفاوت‌های فردی در راهنمای تألیف
	ضعف مهارتی مؤلفان کتب درسی	ناآشنایی با مهارت‌های کاوشگری و جست‌وجوی اطلاعات و تألیف بر اساس اهداف مدون بی‌توجهی به مهارت‌های خود توسعه‌ای و توسعه فردی مرتبط با حوزه تألیف ضعف در توانایی ارتباطی و تعاملی در راستای شبکه‌سازی تألیف استفاده نکردن از توانایی خلاقیت و دگراندیشی توسط مؤلفان کتب درسی
	عدم استفاده از رویکردهای نوین در تألیف	بی‌توجهی به پایگاه مهارتی دانش‌آموزان در کنار پایگاه دانشی آنان در کتب درسی استفاده نکردن از رویکردهای جدید و فعال مبتنی بر پروژه در تألیف بی‌توجهی به گنجانیدن محتوای تعاملی در کتب درسی بی‌توجهی به همگام‌سازی و تقویت محتوای آموزشی از طریق همگام‌سازی آن با دیگر رسانه‌های آموزشی ضعف در تألیف و ساختار بندی مبتنی بر روش‌های تدریس منعطف

**ضعف در راهنمای تألیف کتب درسی دوره‌های مختلف:** راهنمای تألیف کتب درسی به مثابه برنامه درسی قصد شده در نظام تألیف می‌تواند کمک‌کننده و یاری‌رسان مؤلفان برای دستیابی به تألیف مؤثر باشد. طبق دیدگاه مشارکت‌کنندگان در پژوهش بی‌توجهی به واقعیت‌های جامعه در تدوین اهداف و محتوا برنامه درسی راهنمای تألیف، بی‌توجهی به پژوهش‌ها و طرح‌های پژوهشی مرتبط با تحلیل کتب درسی، توجه بیش‌ازحد به بعد شناختی برنامه‌های درسی و غفلت از ابعاد بینشی و مهارتی در راهنمای تألیف کتب درسی، بی‌توجهی به وحدت محتوا و تجارب یادگیری دانش‌جویان در تدوین راهنمای تألیف، غفلت از تلفیق و رویکردهای مبتنی بر تلفیق در برنامه‌های درسی دوره‌های مختلف، یکسان‌انگاری پایه‌های مختلف و بی‌توجهی به خصوصیات رشدی و تفاوت‌های فردی در راهنمای تألیف از جمله کدهای باز این مقوله محوری است.

**ضعف مهارتی مؤلفان کتب درسی:** به باور مشارکت‌کنندگان مؤلفان کتب درسی و مهارت ایشان در زمینه‌های مختلف می‌تواند تا حد زیادی راهگشای نظام تألیف باشد. طبق دیدگاه مشارکت‌کنندگان در پژوهش ناآشنایی با مهارت‌های کاوشگری و جست‌وجوی

اطلاعات و تألیف بر اساس اهداف مدون، بی‌توجهی به مهارت‌های خود توسعه‌ای و توسعه فردی مرتبط با حوزه تألیف، ضعف در توانایی ارتباطی و تعاملی در راستای شبکه‌سازی تألیف، استفاده نکردن از توانایی خلاقیت و دگراندیشی توسط مؤلفان کتب درسی از جمله کدهای باز محور مذکور هستند.

**استفاده نکردن از رویکردهای نوین در تألیف:** نظام تألیف باید همانند همه حوزه‌های مشابه به سمت نوآوری و استفاده از پتانسیل‌های عصر کنونی حرکت کند تا بتواند پویایی و نیاز جامعه مخاطب را پاسخگو باشد و این حوزه به‌روز نگه‌داشته شود، به عبارتی ارتباط دوطرفه میان تألیف و روزآمدی باید برقرار بماند. طبق دیدگاه مشارکت‌کنندگان در پژوهش و مشاهدات و استنباط‌های میدانی پژوهشگران یکی دیگر از عوامل محوری بی‌توجهی به استفاده از رویکردهای نوین در تألیف است؛ در این زمینه شاخص‌هایی چون بی‌توجهی به پایگاه مهارتی دانش‌آموزان در کنار پایگاه دانشی آنان در کتب درسی، استفاده نکردن از رویکردهای جدید و فعال مبتنی بر پروژه در تألیف، بی‌توجهی به گنجانیدن محتوای تعاملی در کتب درسی، بی‌توجهی به همگام‌سازی و تقویت محتوای آموزشی از طریق همگام‌سازی آن با سایر رسانه‌های آموزشی، ضعف در تألیف و ساختاربندی مبتنی بر روش‌های تدریس منعطف احصا گردید.

### شرایط علی

شرایط علی آن دسته از رویدادها و وقایع هستند که بر پدیده‌ها اثرگذارند (اشتراوس و کوربین، ۲۰۰۸، ص. ۱۶۸). به عبارتی می‌توان گفت شرایط علی، حوادث و اتفاقاتی است که به وقوع یا رشد و توسعه پدیده محوری می‌انجامد. نتایج این بخش در جدول شماره ۲ گزارش شده است.

جدول شماره ۲. عوامل و شرایط علی مؤثر بر تألیف کتب درسی و آموزشی در نظام آموزش و پرورش

کد منتخب	کد محوری	نمونه بیانات مشارکت‌کنندگان (کدباز)
	تمرکزگرایی سیستمی	لزوم وفاداری صرف به اهداف نظام آموزشی پرهیز از دادن اختیار به مناطق و بوم‌های مختلف در راستای تخصصی‌سازی محتوا بی‌توجهی به خلاقیت و توانایی فراگیران در دخل و تصرف محتوای آموزشی الفا نکردن حس مالکیت بر محتوا به فراگیر و دادن حس تحمیل یادگیری به فراگیران لحاظ نکردن تفاوت‌های فردی و زمینه بروز آن در تألیف کتب درسی
	ضعف در دانش تألیف	ناآشنایی مؤلفان با دانش برنامه درسی ضعف در مهارت پژوهشگری از سوی مؤلفان بی‌توجهی به جنبه‌های مختلف تألیف (بصری، دانشی و نگرشی) استفاده نکردن از رویکردهای نوین و تلفیق در تألیف کتب درسی بی‌توجهی به آموزش و یادگیری ساخت‌گرا و اتکا به رویه‌های سنتی در تألیف
	نبودن تعاملات و شبکه ارتباطی	نبودن شبکه ارتباطی میان مؤلفان کتب درسی با یکدیگر بی‌توجهی به زمینه‌سازی ارتباط مؤلفان و شبکه یادگیری اعم از معلمان، دانش‌آموزان و اولیا با گروه تألیف کتب درسی بازخورددهی نامناسب در زمینه تغییرات و ابهامات محتوا از سوی جامعه مخاطب عدم برقراری ارتباط با مؤلفان دیگر دروس و لزوم ارتباط‌سازی با آنها

شرایط علی

تحلیل و بررسی بیانات مشارکت‌کنندگان نشان داد که شرایط و عوامل علی مؤثر بر تألیف کتب درسی و آموزشی در نظام آموزش و پرورش شامل تمرکزگرایی سیستمی (وفاداری به اهداف آموزشی، تمرکزگرایی در تألیف و بی‌توجهی به تفاوت‌های فردی در تألیف کتب درسی)، ضعف در دانش تألیف (ضعف مؤلفان در زمینه دانش تألیف و برنامه درسی و توجه به تخصص‌گرایی صرف در انتخاب مؤلفان و دیسپلین محوری)، نبودن تعاملات و شبکه ارتباطی (نبودن شبکه ارتباطی مناسب بین مؤلفان، معلمان و دیگر ذی‌نفعان برنامه‌های درسی) است.

## راهِبردها

راهِبردها، استراتژی‌هایی هستند که باهدف خاصی برای اداره و کنترل پدیده مورد نظر صورت می‌پذیرد (اشتراوس و کوربین، ۲۰۰۸). راهبردها مبتنی برکنش‌ها و واکنش‌هایی برای کنترل، اداره و بازخورد پدیده مورد بررسی هستند. نتایج حاصل از تحلیل این بخش از پژوهش در جدول شماره ۳ گزارش شده است.

جدول شماره ۳. راهبردهای تألیف کتب درسی و آموزشی در نظام آموزش و پرورش

کد منتخب	کد محوری	نمونه بیانات مشارکت‌کنندگان (کدباز)
	انتخاب دامنه وسیع محتوایی	محدود نساختن محتوای مدون به حوزه‌های کوچک و منفک اختیاردهی و ارائه بخش‌های آزاد در راستای شخصی‌سازی محتوای یادگیری ارائه بخش‌های جامع در راستای تسلط و درک ارتباط محتوا ارائه بخش‌های مربوط به دادن اختیارات و آزادی عمل به دانش‌آموزان در راستای ساخت واحد یادگیری
	سازمان‌دهی تداومی و تراکمی محتوا	ارائه نقشه‌های مفهومی مرتبط با محتوا در فصول مختلف کتب درسی توجه به نظم منطقی محتوای ارائه‌شده در بخش‌های مختلف کتب درسی توجه به ارتباط عمودی محتوا در کتب پایه‌های مختلف دوره تحصیلی توجه به اصول روان‌شناختی مرتبط با چینش محتوا
	اعتباربخشی و اعتبارسنجی چندجانبه تألیفات	لزوم توجه به سیاست‌های اتخاذی و تدوین محتوا بر اساس آن استفاده از منابع متعدد در تألیف در راستای اعتباربخشی به آن توجه به نیازهای جامعه و مخاطبان برنامه درسی در راستای مشروعیت بخشی ارتباط و بازخوردگیری از مخاطبان (دانش‌آموزان، معلمان، اولیا و ...) بررسی تطابق اجرا با محتوای تدوین‌شده در راستای دستیابی به کاستی‌های تألیف
	توجه به رویکردهای نوین و به‌روزرسانی محتوا	توجه به استفاده از رویکردهای نوین آموزشی در کتب درسی دوره‌های تحصیلی استفاده از روش‌های نوین طراحی و تدوین در تألیف کتب درسی پیونددهی و عمق‌بخشی به محتوای کتب درسی با سایر ابزارهای آموزشی به‌روزرسانی محتوای کتب درسی به‌صورت پیوسته و مداوم
	شبکه‌سازی و تعامل‌گرایی در فرایند تألیف	ایجاد بسترهای تعاملی و ارتباطی مبتنی بر مباحث تخصص تألیف بین گروه مؤلفان استفاده از ظرفیت‌های برنامه‌ریزان درسی در تألیف کتب درسی استفاده از رسانه‌های گروهی برای ارتقای سواد اطلاعاتی و شیوه آموزش مطالب کتب درسی معلمان جهت‌دهی و برقراری ارتباط لازم با جامعه مخاطب برای تعامل بازخوردی

تحلیل مصاحبه‌ها و دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان در پژوهش نشان می‌دهد راهبردهای آموزش تألیف کتب درسی و آموزشی در نظام آموزش و پرورش را می‌توان در پنج مؤلفه محوری یادشده سازمان داد که در ادامه به تشریح هرکدام از این راهبردها خواهیم پرداخت: **انتخاب دامنه وسیع محتوایی:** ازجمله راهبردهای ارائه‌شده در زمینه آموزش تألیف کتب درسی و آموزشی در نظام آموزش و پرورش طبق برداشت از مصاحبه‌های به‌عمل‌آمده، انتخاب دامنه وسیع محتوایی برای انتخاب محتوا بود؛ که مشتمل بر مؤلفه‌های محدود نساختن محتوای مدون به حوزه‌های کوچک و منفک، اختیار دهی و ارائه بخش‌های آزاد در راستای شخصی‌سازی محتوای یادگیری، ارائه بخش‌های جامع در راستای تسلط و درک ارتباط محتوا، ارائه بخش‌های مربوط به دادن اختیارات و آزادی عمل به دانش‌آموزان در راستای ساخت واحد یادگیری بود که مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند در صورتی که دامنه وسیع محتوایی اتخاذ گردد، امکان آزادی عمل و خلاقیت به جامعه مخاطب داده خواهد شد.

**سازمان‌دهی تداومی و تراکمی محتوا:** تحلیل نظرات مشارکت‌کنندگان در پژوهش نشان‌دهنده این نکته است که برای بهبود در امر و فرایند تألیف باید به ارتباط دروس و واحدهای یادگیری باهم توجه ویژه داشت، در این زمینه طبق نظرات مشارکت‌کنندگان شاخص‌هایی چون ارائه نقشه‌های مفهومی مرتبط با محتوا در فصول مختلف کتب درسی، توجه به نظم منطقی محتوای ارائه‌شده در

بخش‌های مختلف کتب درسی، توجه به ارتباط عمودی محتوا در کتب پایه‌های مختلف دوره تحصیلی، توجه به اصول روان‌شناختی مرتبط با چینش محتوا مورد تأکید بود.

**اعتباربخشی و اعتبارسنجی چندجانبه تألیفات:** طبق دیدگاه مشارکت‌کنندگان در پژوهش از دیگر شاخص‌های مورد توجه در تألیف کتب درسی، اعتباربخشی و هم‌چنین اعتبارسنجی آن است. این شاخص مشتمل بر مواردی همچون لزوم توجه به سیاست‌های اتخاذی و تدوین محتوا بر اساس آن، استفاده از منابع متعدد در تألیف در راستای اعتباربخشی به آن، توجه به نیازهای جامعه و مخاطبان برنامه درسی در راستای مشروعیت بخشی، ارتباط و بازخوردگیری از مخاطبان (دانش‌آموزان، معلمان، اولیا و ...)، بررسی تطابق اجرا با محتوای تدوین‌شده در راستای دستیابی به کاستی‌های تألیف است.

**توجه به رویکردهای نوین و به‌روزرسانی محتوا:** رویکردهای نوین و به‌روزرسانی محتوا از جمله راهبردهای تأثیرگذار بر تألیف است. در این زمینه مشارکت‌کنندگان در پژوهش اعتقاد داشتند که توجه به استفاده از رویکردهای نوین آموزشی در کتب درسی دوره‌های تحصیلی، استفاده از روش‌های نوین طراحی و تدوین در تألیف کتب درسی، پیونددهی و عمق‌بخشی به محتوای کتب درسی با دیگر ابزارهای آموزشی، به‌روزرسانی محتوای کتب درسی به‌صورت پیوسته و مداوم از جمله مؤلفه‌های آن است.

**شبکه‌سازی و تعامل‌گرایی در فرایند تألیف:** از دیگر راهبردهای مؤثر بر موضوع، شبکه‌سازی و تعامل است. شبکه‌سازی باعث می‌شود بتوانیم از ظرفیت افراد مختلف، دانش و تجربه آنها استفاده بهینه ببریم. ذیل این شاخص کدهای ایجاد بسترهای تعاملی و ارتباطی مبتنی بر مباحث تخصص تألیف بین گروه مؤلفان، استفاده از ظرفیت‌های برنامه‌ریزان درسی در تألیف کتب درسی، استفاده از رسانه‌های گروهی برای ارتقای سواد اطلاعاتی و شیوه آموزش مطالب کتب درسی معلمان، جهت‌دهی و برقراری ارتباط لازم با جامعه مخاطب برای تعامل بازخوردی احصا گردید.

### عوامل زمینه‌ای

عوامل زمینه‌ای نشان‌دهنده یکسری خصوصیات ویژه است که به پدیده‌های دلالت می‌کند و محل حوادث یا وقایع مرتبط با پدیده‌های در طول یک بُعد است که پدیده در آن نهفته است (اشتروس و کوربین، ۲۰۰۸، ص. ۱۸۱). نتایج حاصل از تحلیل این بخش از پژوهش در جدول شماره ۴ گزارش شده است.

جدول شماره ۴. عوامل زمینه‌ساز الگوی جاری تألیف کتب درسی و آموزشی در نظام آموزش و پرورش

کد منتخب	کد محوری	نمونه بیانات مشارکت‌کنندگان (کدباز)
	چهارچوب فرهنگی جامعه	اهمیت و اولویت دادن به تغییرات ارزشی و اعتقادی نسبت به تغییرات تخصصی ارائه الگوهای متناسب با فرهنگ و ارزش‌های جامعه در کتب درسی تبیین و ترویج اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی و نگاه‌بانی از دستاوردهای آن از راه تألیف و نشر عدم بهره‌گیری مفید از دانش و اندیشه بشری از طریق ترجمه سنجیده و متناسب با زبان معیار نقدناپذیری در برخی مسائل فرهنگی از سوی تیم تألیف و سیاست‌گذاران
	نظام آموزشی متمرکز	تعیین چهارچوب‌های کلی و اهداف جزئی حیطه محتوایی از سوی مراجع بالادستی بی‌توجهی به توسعه آموزش غیررسمی افراد جامعه از طریق ارتقای سطح دانش و مهارت همگانی بی‌توجهی به ظرفیت‌های بومی و محلی در محتوای آموزشی ساختاربندی سخت و غیر منعطف کتب درسی در راستای دستیابی به اهداف مدنظر
	نگرش نسبت به فناوری	پذیرش فناوری و به‌کارگیری ظرفیت‌های فاوا تعاملی ساختن کتب درسی از طریق لینک کردن آن با محتوای فناورانه برگزاری اجلاس‌ها و سمینارهای علمی - آموزشی مرتبط با تألیف و تدریس کتب در بستر وب ساخت پیوندهای گسترده بین سخت‌افزارهای آموزشی و نرم‌افزارهای آموزشی

توجه به یادگیری تجربی محتوا و درگیر ساختن دانش‌آموزان با دنیای واقع به کمک فناوری‌های جدید همچون واقعیت افزوده و واقعیت مجازی

نظام تألیف و اقتضائات آن نه در خلأ، بلکه در شرایط زمینه‌ای شکل می‌گیرد که بر آن اثرگذار است؛ بنابراین توضیح زمینه‌های شکل‌گیری این فضا در مدارس به فهم عوامل زمینه‌ای مؤثر بر آن نیازمند است. مقوله شرایط زمینه‌ای-محیطی همان‌طور که در جدول شماره ۴ ملاحظه می‌شود، شامل عوامل زمینه‌ای و بستری مشتمل بر ۳ بخش چهارچوب فرهنگی جامعه (فرهنگ حاکم بر جامعه و ارزش‌های حاکم بر آن)، نظام آموزشی متمرکز (بی‌توجهی به ظرفیت‌های محلی در تولید محتوا)، نگرش نسبت به فناوری (دیدگاه مؤلفان در زمینه فناوری و اثربخشی آن در تلفیق محتوا با آن) می‌شود.

### عوامل مداخله‌گر (تسهیل‌کننده)

شرایط میانجی / تسهیل‌کننده‌ها، شامل شرایط ساختاری هستند که موجب تسهیل در زمینه پدیده و راهبردها می‌شوند (اشتروس و کوربین، ۲۰۰۸، ص. ۱۸۳). در جدول شماره ۵ با توجه به دیدگاه مصاحبه‌شوندگان عواملی که موجب بهبود تألیف کتب درسی و آموزشی در نظام آموزش و پرورش می‌شود ارائه گردید.

### جدول شماره ۵. عوامل مداخله‌ای تسهیل‌گر تألیف کتب درسی و آموزشی در نظام آموزش و پرورش

کد منتخب	کد محوری	نمونه بیانات مشارکت‌کنندگان (کدباز)
عوامل مداخله‌گر تسهیل‌کننده	محتوای محوری نظام آموزشی	تمرکز در نظام آموزشی و تعیین چهارچوب برای محتوای گنجانده شده در کتب درسی توجه به محتوای کتب درسی و اصل قرار دادن آن در آموزش استفاده نکردن از دیگر منابع آموزشی یا استفاده حداقلی از آنها به نسبت کتاب درسی نظام ارزشیابی محتوا محور بر پایه محتویات کتاب درسی متداول بودن روش‌های تدریس مبتنی بر کتاب درسی در نظام آموزشی
	شیوایی کتب درسی	استفاده از منابع مؤثر و مفید در کتب درسی پیونددهی مطالب کتب درسی با اشکال و محتوای غیر متنی ساختاربندی مشخص و متوالی کتب درسی در پایه‌های مختلف توالی و تداوم مطالب درسی در کتب در طول دوره‌های تحصیلی
	خرید جمعی در تألیف	استفاده از گروه مؤلفان به جای تأکید فردی در تألیف تقسیم وظایف تخصصی در تألیف بین گروه مؤلفان و طراحان کتب درسی بررسی محتوا از ابعاد مختلف و قرار دادن بخش‌های مختلف برای بازبینی کتاب درسی

تألیف کتب درسی و آموزشی در نظام آموزش و پرورش به عوامل مختلفی بستگی داشته و از آن تأثیر می‌پذیرد در میان نظرات مشارکت‌کنندگان وجود برخی عوامل موجب بهبود این مهارت در دانشجویان می‌شد؛ در این میان با توجه به نظرات مشارکت‌کنندگان سه محور محتوا محوری نظام آموزشی (تمرکز و محوریت محتوای کتاب در ابعاد مختلف نظام آموزشی)، شیوایی کتب درسی (شیوایی و رسایی کتب درسی زمینه تألیف نظام‌مندتر و ضابطه‌مندتر را فراهم می‌آورد) و خرید جمعی در تألیف منجر به تسهیل این امر به باور مشارکت‌کنندگان می‌شود.

### عوامل مداخله‌گر (محدودکننده)

در بین تجارب مشارکت‌کنندگان، برخی از عوامل سازمانی و انسانی به‌عنوان محدودکننده تألیف کتب درسی و آموزشی در نظام آموزش و پرورش بیان شدند. این عوامل مانع از اثربخشی برنامه‌های مربوط به اهداف پژوهش می‌شوند. نتایج این بخش از یافته‌ها در جدول شماره ۶ گزارش شده است.

## جدول شماره ۶. عوامل مداخله‌ای محدودکننده تألیف کتب درسی و آموزشی در نظام آموزش و پرورش

کد منتخب	کد محوری	نمونه بیانات مشارکت‌کنندگان (کدباز)
		بی‌توجهی به نیازهای دنیای واقعی دانش‌آموزان و پرداختن به جنبه‌های دانشی در تألیف
		عدم زمینه‌سازی ایجاد فرصت‌هایی برای فعالیت‌های فرابر نامه‌ای و بیرون از کلاس
	عدم تناسب محتوای کتب درسی با نیازهای دانش‌آموزان	استفاده نکردن از مهارت‌های پروژه‌ای و مبتنی بر مسئله در محتوای کتب درسی غفلت از تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان و مخاطب‌شناسی در زمینه‌های محتوایی تأکید و تمرکز بر فعالیت‌های حافظه محور و مستقیم به جای روش‌های غیرمستقیم آموزش در محتوای کتب درسی
		بی‌توجهی به قوه استدلال و دلیل‌ورزی در روش‌های تبیین دروس و انتخاب محتوا
		ناآشنایی مؤلفان با خصوصیات و ویژگی‌های رشدی جامعه مخاطب ضعف در مهارت‌های پژوهشگری و جست‌وجو اطلاعات مؤلفان
	عدم تسلط مؤلفان بر دانش تألیف	ناتوانی در تیم‌سازی و برقراری ارتباط با دیگر افراد مرتبط با حیطه کاری ناآشنایی و به‌کارگیری مؤلفان با راهکارهای همراه‌سازی جامعه مخاطب در راستای همراه‌سازی دستیابی به اهداف بی‌توجهی به دانش پداگوژیک در تدریس مطالب آموزشی و تألیف بر اساس آن عدم ارائه محتوا در حیطه ادراکی مخاطبان و افراط و تفریط در این زمینه
		ثابت و بدون تغییر بودن تیم تألیف کتب درسی در سالیان مختلف بی‌توجهی به نقدها و انتقادات وارده به تألیف کتب درسی از سوی مراجعه‌ذی‌صلاح بی‌توجهی به بافت و فرهنگ‌های مختلف در تألیف کتب درسی و تدوین کتب بر اساس فرهنگ غالب جامعه
	انحصارگرایی در تألیف	بی‌توجهی به برابری جنسیتی در تألیف کتب درسی بی‌توجهی به فاصله نسل‌ها و احتیاجات نسل جدید استفاده نکردن از آسیب‌شناسی و رویکردهای پژوهش محور کتب تألیفی با کلیشه‌های فرهنگی و برطرف‌سازی آن متن‌گرایی و بی‌توجهی به توازن بین بخش‌های مختلف محتوایی در تألیف

چالش‌های تألیف کتب درسی

نتایج حاصل از مصاحبه‌ها نشان داد که موانع و چالش‌های آموزش تألیف کتب درسی و آموزشی در نظام آموزش و پرورش را می‌توان در ۳ دسته اصلی عدم تناسب محتوای کتب درسی با نیازهای دانش‌آموزان، عدم تسلط مؤلفان بر دانش تألیف، انحصارگرایی در تألیف قرارداد؛ که در ادامه به شرح و بسط این چالش‌ها پرداخته می‌شود.

**عدم تناسب محتوای کتب درسی با نیازهای دانش‌آموزان:** این دسته از عوامل محدودکننده مربوط به محتوا و نیازهای دانش‌آموزان است و به بعد محتوایی اختصاص دارد. عدم تناسب محتوای کتب درسی با نیازهای دانش‌آموزان طبق دسته‌بندی پژوهشگران مشتمل بر عواملی همچون بی‌توجهی به نیازهای دنیای واقعی دانش‌آموزان و پرداختن به جنبه‌های دانشی در تألیف، عدم زمینه‌سازی ایجاد فرصت‌هایی برای فعالیت‌های فرابرنامه‌ای و بیرون از کلاس، استفاده نکردن از مهارت‌های پروژه‌ای و مبتنی بر مسئله در محتوای کتب درسی، غفلت از تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان و مخاطب‌شناسی در زمینه‌های محتوایی، تأکید و تمرکز بر فعالیت‌های حافظه‌محور و مستقیم به جای روش‌های غیرمستقیم آموزش در محتوای کتب درسی، بی‌توجهی به قوه استدلال و دلیل‌ورزی در روش‌های تبیین دروس و انتخاب محتواست.

**عدم تسلط مؤلفان بر دانش تألیف:** به باور مشارکت‌کنندگان اگر مهارت‌های مؤلفان و دانش‌های ایشان درباره تألیف محدود باشد؛ نمی‌توانند به تألیف مناسب دست پیدا کنند. پژوهشگران عوامل مرتبط با این بخش مشتمل بر ناآشنایی مؤلفان با خصوصیات و

ویژگی‌های رشدی جامعه مخاطب، ضعف در مهارت‌های پژوهشگری و جست‌وجو اطلاعات مؤلفان، ناتوانی در گروه‌سازی و برقراری ارتباط با دیگر افراد مرتبط با حیطه کاری، ناآشنایی و به‌کارگیری مؤلفان با راهکارهای همراه سازی جامعه مخاطب در راستای همراه سازی دستیابی به اهداف، بی‌توجهی به دانش پداگوژیک در تدریس مطالب آموزشی و تألیف بر اساس آن، ارائه ندادن محتوا در حیطه ادراکی مخاطبان و افراط و تفریط در این زمینه قلمداد نمودند.

**انحصارگرایی در تألیف:** به باور مشارکت‌کنندگان در پژوهش بخشی از محدودیت‌های آموزش تألیف کتب درسی و آموزشی در نظام آموزش و پرورش مرتبط با انحصارگرایی در جنبه‌های مختلف تألیف است. این بخش مشتمل بر ثابت و بدون تغییر بودن گروه تألیف کتب درسی در سالیان مختلف، بی‌توجهی به نقدها و انتقادات وارده به تألیف کتب درسی از سوی مراجع ذیصلاح، بی‌توجهی به بافت و فرهنگ‌های مختلف در تألیف کتب درسی و تدوین کتب بر اساس فرهنگ غالب جامعه، بی‌توجهی به برابری جنسیتی در تألیف کتب درسی، بی‌توجهی به فاصله نسل‌ها و احتیاجات نسل جدید، عدم استفاده از آسیب‌شناسی و رویکردهای پژوهش محور کتب تألیفی، ناآشنایی با کلیشه‌های فرهنگی و برطرف سازی آن، متن‌گرایی و بی‌توجهی به توازن بین بخش‌های مختلف محتوایی در تألیف است.

## ۶. پیامدها

پیامدهای وضعیت جاری الگوی تألیف کتب درسی و آموزشی در نظام آموزش و پرورش، "ضعف در محتوای آموزشی کتب درسی" شده است. این پیامدها، زمینه‌آلات استعدادهای، پتانسیل‌ها و منابع انسانی و مالی را فراهم می‌کند که باید مورد توجه ویژه قرار گیرد.

### الگو پارادایمی برآمده از داده‌ها

با توجه به کدگذاری باز، محوری و انتخابی؛ الگو پارادایمی الگوی جاری تألیف کتب درسی و الکترونیک در آموزش و پرورش در شکل شماره ۱ ارائه شده است.



شکل شماره ۱. الگوی جاری آموزش تألیف کتب درسی و آموزشی در نظام آموزش و پرورش

## نتیجه‌گیری و بحث

کتاب درسی یکی از مهم‌ترین عناصر برنامه‌های درسی بوده که در نظام تعلیم و تربیت کشور با توجه به متمرکز بودن نظام آموزشی بسیار حائز اهمیت است، از آنجاکه امکانات آموزشی در کشور ما به درستی توزیع نشده است و مناطق مختلف از زمینه امکاناتی متفاوتی برخوردارند از این رو کتاب درسی را می‌توان به‌عنوان اصلی‌ترین زمینه ایجادکننده عدالت آموزشی در کشور برشمرد. توجه به تألیف مناسب کتاب‌های درسی می‌تواند گامی اساسی در راستای تحقق عدالت آموزشی در کشور فراهم سازد. در این پژوهش بر آن شدیم تا به بررسی وضعیت موجود تألیف کتاب‌های درسی و آموزشی بپردازیم.

با توجه به روش‌شناسی پژوهش که به صورت نظریه بر خاسته از داده استفاده شد و یافته‌ها در الگو اشتروس و کوربین بازنمایی شد. نتایج نشان داد که شرایط محوری در این پژوهش با توجه به مسئله اصلی پژوهش حول محوریت چندپارگی و بی‌توجهی به رویکرد تخصصی در نظام تألیف مورد سازمان‌دهی قرار می‌گیرد. در این میان تحلیل مصاحبه‌ها و بیانات مشارکت‌کنندگان در پژوهش نشان داد که چندپارگی و عدم تخصص‌گرایی در تألیف، حول محورهایی چون ضعف در راهنمای تألیف کتب درسی دوره‌های مختلف، ضعف مهارتی مؤلفان کتب درسی و استفاده نکردن از رویکردهای نوین در تألیف کتب مورد سازمان‌دهی قرار گرفت. تألیف کتب درسی نیازمند توجه همه‌جانبه به طیف وسیع عوامل مؤثر بر محتوای آموزشی ارائه‌شده است در این زمینه با نگاه کل‌نگر می‌توان دریافت که در الگوی جاری تألیف کتب درسی، بیشتر بر مبانی دسیپلین محوری و توجه به تخصص موضوعی مؤلفان است از این رو توصیه می‌شود در کنار توجه به دانش موضوعی به دانش‌های برنامه درسی، روان‌شناسی تربیتی و فلسفی مؤلفان نیز توجه شود. یافته‌های این بخش از پژوهش در راستای یافته‌ها جونز و همکاران (۲۰۲۲) و اتو (۲۰۱۸) است. جونز و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهش خود نشان دادند که یکی از چالش‌های اصلی در تألیف کتاب‌های درسی عدم مهارت و تخصص مؤلفان است.

موجبات علی نیز که مستقیماً به مقوله کانونی تألیف کتاب‌های درسی می‌انجامد، همان‌طور که در جدول شماره ۲ ملاحظه می‌شود، از چند مقوله اصلی تشکیل می‌شوند که شامل؛ تمرکزگرایی سیستمی در تألیف کتب درسی و بی‌توجهی به نیازهای محلی و منطقه‌ای، ضعف مؤلفان در تألیف کتب درسی و نبودن تعاملات و شبکه ارتباطی مؤلفان، معلمان و ذی‌نفعان کتب درسی منجر به شرایط محوری تألیف کتب شده است. تألیف کتب درسی نیازمند توجه به زمینه‌ها و بسترهای مختلف است. از این رو با توجه به یافته‌های این بخش توصیه می‌شود در تألیف کتب درسی به رویکردهای مشارکتی به‌جای مهندسی‌سازی کتب توجه شود، به نیازهای محلی و منطقه‌ای و فراگیران توجه شده و در زمینه شبکه‌سازی ارتباطی بین مؤلفان، معلمان و فراگیران اقدام شود. یافته‌های این بخش در راستای یافته‌های ژانگ و همکاران (۲۰۲۲) و کیم و همکاران (۲۰۲۱) هم‌راستا است. کیم و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهش خود نشان دادند که در فرایند تألیف کتب درسی بیشتر به صورت متمرکز توجه می‌شود و جنبه‌های محلی و نیازهای مدرسه مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

شرایط محیطی - ساختاری به‌عنوان عامل زمینه‌ای تألیف کتب درسی شناخته شد. عوامل محیطی به‌عنوان عوامل هم‌بافتی و بی‌واسطه در فرایند تألیف کتب درسی نقش دارند به‌عبارت‌دیگر انسان جزئی از محیط اطراف خود است که در عین تأثیرگذاری بر آن، از آن تأثیر مستقیم می‌گیرد. در پژوهش حاضر مشارکت‌کنندگان به عواملی چون چهارچوب فرهنگی جامعه، نظام آموزشی متمرکز و نگرش نسبت به فناوری و کاربرد آن در تألیف کتاب درسی مورد توجه است. از این رو توجه به زمینه‌های محیطی منجر به بهبود فرایند تألیف کتب درسی و محتوای رسمی می‌شود. یافته‌های این بخش از پژوهش در راستای یافته‌های دورلینگ (۲۰۲۲) و لی و همکاران (۲۰۲۱) است. لی و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهش خود یکی از شاخص‌های اصلی در تألیف کتاب‌های درسی را توجه به جنبه‌های فرهنگی موجود در جامعه بیان داشتند.

از نظر مشارکت‌کنندگان هرچند تألیف کتب درسی ناشی از موجبات علی و تحت تأثیر شرایط زمینه‌ای است، ولی در این اثنا نقش عاملیت انسانی و کنشگران را نباید نادیده گرفت. راهبردهایی که در مواجهه با تألیف بهتر کتب درسی مورد توجه مشارکت‌کنندگان بود را می‌توان در پنج دسته؛ انتخاب دامنه وسیع محتوایی در کتب درسی، استفاده از رویکردهای سازمان‌دهی تداومی و تراکمی محتوا،

توجه به رویکردهای نوین و به‌روزرسانی محتوا و شبکه‌سازی و تعامل‌گرایی در فرایند تألیف کتب درسی مورد سازمان‌دهی قرارداد. یافته‌های این بخش از پژوهش در راستای یافته‌های جونز و همکاران (۲۰۲۲) و جگر (۲۰۲۱) هم‌راستا است. جگر (۲۰۲۱) بیان داشت که زمینه‌سازی برای ایجاد تعامل بین مؤلفان و معلمان منجر به کاهش نظریه و عمل می‌شود و محتوای کتاب‌های درسی را بهبود می‌بخشد.

با توجه به تحلیل مصاحبه‌ها سه عامل محتوا محوری در برنامه‌های درسی کشور، شیوایی کتب درسی و استفاده از خرد جمعی در تألیف کتب درسی زمینه بهبود تألیف کتب درسی را فراهم می‌آورد و تسهیل‌کننده این فرایند است. همچنین طبق دیدگاه مشارکت-کنندگان در پژوهش شاخص‌هایی چون عدم تناسب محتوای کتب درسی با نیازهای دانش‌آموزان، عدم تسلط کافی مؤلفان بر دانش تألیف و انحصارگرایی در تألیف کتب درسی به‌عنوان محدودکننده تألیف کتب درسی آموزش و پرورش مورد شناسایی قرار گرفت. از این رو توصیه می‌شود در تألیف کتب درسی به نیازهای فراگیران بر اساس رویکردهای نیازسنجی توجه شود، در گزینش مؤلفان افزون بر شاخص‌های دانش موضوعی به سایر صلاحیت‌های مورد نیاز مؤلف توجه گردد و ایجاد بسترهای مشارکت در تألیف کتب درسی مورد تأکید است. یافته‌های این بخش از پژوهش در راستای یافته‌های دورلینگ (۲۰۲۲) و لی و همکاران (۲۰۲۱) است. لی و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهش خود توجه به خرد جمعی و پیونددهی محتوای کتاب درسی با محتوای غیرمتنی و تصاویر زمینه افزایش تأثیرگذاری کتب را فراهم می‌آورد.

پیامدهای وضعیت جاری الگوی تألیف کتب درسی و آموزشی در نظام آموزش و پرورش، "ضعف در محتوای آموزشی کتب درسی" شده است. این پیامدها، زمینه اتلاف استعدادها، پتانسیل‌ها و منابع انسانی و مالی را فراهم می‌کند که باید مورد توجه ویژه قرار گیرد. کتب درسی بخش مهمی از محتوای ارائه‌شده در نظام‌های آموزشی را تشکیل می‌دهند و در نظام‌های متمرکز چون کشور ما زمینه اصلی آموزش هستند. از این رو باید به کیفیت کتب درسی ارائه‌شده توجه شود. در این میان مؤلفان کتب درسی نقش اساسی در کیفیت منابع ارائه‌شده را بر عهده دارند. در نظام آموزشی ایران که به‌صورت ساختار متمرکز اداره می‌شود و معلمان و فراگیران نقش کمی در طراحی آموزشی دارند، توجه به بهبود کیفیت مؤلفان کتب درسی، می‌تواند زمینه‌ساز بهبود کتب درسی باشد و از سوی بستر آموزش-های نظام آموزشی را فراهم آورد. در این پژوهش سعی شد نسبت به شناسایی الگوی جاری تألیف کتب درسی اقدام شود تا گامی هرچند کوچک در راستای بهبود تألیف کتب درسی برداشته شود.

با توجه به نتایج ارائه شده پیشنهادها زیر ارائه می‌شود:

- در فرایند تألیف کتاب‌های درسی به شایستگی‌ها و مهارت‌های روان‌شناسی و موضوعی مؤلفان توجه شود.
- توجه به نیازهای محلی و منطقه‌ای در تألیف کتاب‌های درسی
- در فرایند تألیف کتاب‌های درسی به ویژگی‌های فرهنگی جامعه توجه شود.
- در فرایند تألیف کتاب‌های درسی به تعامل بین معلمان، مؤلفان و متخصصان موضوعی توجه شود.
- در فرایند تألیف کتاب‌های درسی به استفاده از چندرسانه‌ای‌ها و منابع غیرمتنی توجه شود.

## References

- Asabat Tabari, E., Noorian, M., Armand, M., & Nowrozi, D. (2020). Synthesis of university textbook features. *Research and writing academic books*, 24(46), 114-145. DOI: [10.30487/rwab.2020.122243.1387/10.30487](https://doi.org/10.30487/rwab.2020.122243.1387/10.30487) (Text in Persian).
- Attar, Sh., Natghi, F., & Erfani, N. (2020). Evaluation of the work of the authors of the textbooks of heavenly messages based on the approach of explaining values in moral education. *Ethics in Science and Technology*, 15 (3), 130-123. DOI: [20.1001.1.22517634.1399.15.3.17.7](https://doi.org/10.1001.1.22517634.1399.15.3.17.7) (Text in Persian).
- Bitarfan, F.S., Sjouidi, M., & Dehghani, M. (2021). Investigating the implementation obstacles of the document of fundamental transformation of education based on the Fullen model: the case study of

- the field of aesthetic and artistic education. *Research in curriculum planning*, 17(67), 90-110. DOI: [10.30486/jsre.2020.1884437.1515](https://doi.org/10.30486/jsre.2020.1884437.1515) (Text in Persian).
- Bogavac, D., Kovacevic, J., & Radovanovic, I. (2016). Quality lifelong education: Computer and/or a textbook. *The Anthropologist*, 24(1), 75-82. DOI: [10.1080/09720073.2016.11891991](https://doi.org/10.1080/09720073.2016.11891991).
- Durling, D. (2022). *Review of The Legal Design Book: Doing Law in the 21st Century*. by Astrid Kohlmeier and Meera Klemola.
- Eftekhari, J., Eftekhari, H., Samavi, A., Shamshiri, B. (2021). Evaluation of social studies textbooks of elementary schools based on the Ryff's six-model of psychological well-being scale, *Journal of New Thoughts on Education*, 17(1), 131-152. Doi: [10.22051/jontoe.2021.31001.3021](https://doi.org/10.22051/jontoe.2021.31001.3021) (Text in Persian).
- Eftekhari, J., Moslemi, F., Eftekhari, H., Samavi, A. (2022). He Status of Moral Intelligence in Elementary School Reading Textbooks. *Journal of New Thoughts on Education*, 18(4), 7-25. Doi: [10.22051/jontoe.2021.36586.3369](https://doi.org/10.22051/jontoe.2021.36586.3369) (Text in Persian).
- Fanidpour, H., Nili, M.R., & Karzan, H. (2020). Effective components in writing textbook content in Sisteran seminaries: a qualitative study. *Research and writing academic books*, 24(46), 255-280. DOI: [10.30487/rwab.2020.106661.1340](https://doi.org/10.30487/rwab.2020.106661.1340).
- Fathi Vajargah, K. (2015). *Basic principles and concepts of curriculum planning*. Science of Teachers Publications: Tehran. (Text in Persian)
- Hopkins, L., Saciragic, L., Kim, J., & Posner, G. (2016). The hidden curriculum: exposing the unintended lessons of medical education. *Cureus*, 8(10), 25-46. DOI: [10.7759/cureus.845](https://doi.org/10.7759/cureus.845)
- Hosseinzadeh, Kh., Mousavi Bardei, A., & Habibi, R. (2020). Criticism and analysis of the content of the Qur'an interpretation method textbook. *Critical Research Journal of Texts and Programs of Human Sciences*, 20 (81), 126-97. DOI: [10.30465/crtls.2020.22879.1439](https://doi.org/10.30465/crtls.2020.22879.1439). (Text in Persian).
- Jaeger, E. (2021). Friends and authors: Spontaneous co-composing in a writing workshop. *Journal of Early Childhood Literacy*, 21(2), 177-207. DOI: [10.1177/1468798419833096](https://doi.org/10.1177/1468798419833096).
- Jones, E. P., Nelson, N. R., Thorpe, C. T., Rodgers, P. T., & Carlson, R. B. (2022). Use of journal clubs and book clubs in pharmacy education: A scoping review. *Currents in Pharmacy Teaching and Learning*, 14(1), 110-119. DOI: [10.1016/j.cptl.2021.11.029](https://doi.org/10.1016/j.cptl.2021.11.029).
- Kazempour, I., & Ghaffari, Kh. (2011). Feasibility of establishing a virtual in-service education system in Islamic Azad University. *Bimonthly scientific-research journal of a new approach in educational management*, 2(5), 167-193. DOI: [20.1001.1.20086369.1390.2.5.8.2](https://doi.org/20.1001.1.20086369.1390.2.5.8.2). (Text in Persian).
- Kerami, M., Hijazi, Z., & Tabatabai, M. S. (2015). Identifying, comparing and analyzing dominant and absent subject trends in academic textbooks of curriculum studies in Iran and the world. *Journal of Academic Books Research and Writing*, 20(1), 48-63. DOI: [20.1001.1.25382241.1401.13.26.1.4](https://doi.org/20.1001.1.25382241.1401.13.26.1.4). (Text in Persian).
- Kim, M., Wagner, D., & Jin, Q. (2021). Tensions and hopes for embedding peace and sustainability in science education: stories from science textbook authors. *Canadian Journal of Science, Mathematics and Technology Education*, 21(3), 501-517. DOI: [10.1007/s42330-021-00157-3](https://doi.org/10.1007/s42330-021-00157-3).
- Lee, J., & Catling, S. (2017). What do geography textbook authors in England consider when they design content and select case studies?. *International Research in Geographical and Environmental Education*, 26(4), 342-356. DOI: [10.1080/10382046.2016.1220125](https://doi.org/10.1080/10382046.2016.1220125).
- Lee, J., Catling, S., Kidman, G., Bednarz, R., Krause, U., Martija, A. A., & Zecha, S. (2021). A multinational study of authors' perceptions of and practical approaches to writing geography textbooks. *International Research in Geographical and Environmental Education*, 30(1), 54-74. DOI: [10.1080/10382046.2020.1743931](https://doi.org/10.1080/10382046.2020.1743931)
- Marzouqi, R. E., Jahani, J., Uzada, A., Sadeghian, N. E. (2020). Designing a general guide for writing textbooks and characteristics of desirable textbooks in elementary school: a qualitative study. *Educational Innovations*, 19(4), 155-184. DOI: [10.22034/jei.2020.121553](https://doi.org/10.22034/jei.2020.121553). (Text in Persian).
- Mazaheri, H. (2015). *The position of students in the preparation of curricula and educational content*. Special letter honoring the authors of the textbooks of the Educational Research and Planning Organization, 44-55. (Text in Persian)
- Nasrollahi Nia, F., & Alam El Hadi, J. (2020). Revision and presentation of the proposed curriculum for the field of educational sciences in the master's course (case study: management and planning of higher education). *Bi-Quarterly Journal of Higher Education Curriculum Studies*, 11(21), 138-97. DOI: [20.1001.1.25382241.1399.11.21.5.4](https://doi.org/20.1001.1.25382241.1399.11.21.5.4). (Text in Persian).

- Nooryan, M. (2014). *Evaluation methods of textbooks with emphasis on quantitative and qualitative content analysis*, Tehran: Shura Publications. (Text in Persian)
- Otto, M. (2018). Textbook authors, authorship, and author function. In *The Palgrave handbook of textbook studies* (pp. 95-102). Palgrave Macmillan, New York.
- Qasimpour Moghadam, H., Naghizadeh Anhar, H., & Mazaheri, H. (2012). *Analysis of the content of experimental sciences of the 6th elementary school by the method of William Rumi*. The fifth national education conference. Tehran: Tarbiat Debir Shahid Rajaei University. (Text in Persian)
- Reza Ali, R. (2015). *The participation of 1500 teachers in the validation of textbooks*. A special letter of honor to the authors of textbooks. (Text in Persian)
- Rovan, A. (2012). Investigating the basics, principles and process of writing elementary school textbooks in Iran's education system. *Scientific Quarterly of Islamic Education*, 7(15), 163-191. . (Text in Persian). DOI: 10.22054/jep.2021.60227.3328
- Sadeghian, N.E. (2015). *Specific features of the textbook*. Office of authoring textbooks, research organization. (Text in Persian)
- Seyed Outbi, M. (2011). The role and position of textbooks and non-textbooks and school libraries in the educational system of Iran and the world: a review of texts. Shamsheh: Electronic publication of the Organization of Libraries. *Museums and Documents Center of Astan Quds Razavi*, 3(10-11), 1-18. (Text in Persian). Doi: 10.30481/shams.2020.118007
- Shahlai, H., Safar Navadeh, M., Armand, M., & Musapour, N. (2021). Identifying the characteristics of a university textbook in order to design a model with a meta-composite qualitative approach. *Research and writing academic books*, 25(48), 118-88. DOI: [10.30487/rwab.2021.524304.1440](https://doi.org/10.30487/rwab.2021.524304.1440) (Text in Persian).
- Sikorova, Z. (2011). The role of textbooks in lower secondary schools in the Czech Republic. *IARTEM e-Journal*, 4(2), 1-22. DOI: /10.21344/iartem.v4i2.774
- Vassiliou, M., & Jenifer, R. (2008). Progressing the feinition of ebook. *Library Hi tech*, 26(3), 355-368. DOI:[10.1108/07378830810903292](https://doi.org/10.1108/07378830810903292).
- Yarmohamedian, M.H. (2014). *Basics and principles of curriculum planning*. Tehran: Yadavarah Kitab. (Text in Persian)
- Zhang, L., Zhang, Y., & Cao, R. (2022). Can we stop cleaning the house and make some food, Mum?: A critical investigation of gender representation in China's English textbooks. *Linguistics and Education*, 69, 451-470. DOI: [10.3390/ijerph18073514](https://doi.org/10.3390/ijerph18073514).
- Zare. H., Sarmadi, M.R., Zandi, B (2008). *Academic skills in the distance education system (Educational Sciences major)*. Tehran: Payame Noor University (Text in Persian)



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons AttributionNoncommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).